



ادب و هنر

اشاره:

هنر، عطیه‌ای الهی در نهاد انسان‌هاست و انسان مستعد از این نهاد، حیات بشر را زیبا آفرین می‌کند و هنرمند انقلاب آفرین، در عصر بیداری اسلامی، چشم سر را می‌بندد و چشم سر را می‌گشاید و با چیره‌دستی تمام، چشم‌ها و دل‌ها را مجذوب بازی نقطه و خط و رنگ و آوا و واژه می‌سازد و آینه‌های حقیقت را در اقلیم هفت هنر باز می‌تاباند؛ حقیقت انسانیت، آزادی و عدالت. و در عصر بیداری اسلامی، هنرمند هم سکوت را مکتبی غیر هنری و حرام می‌پندارد و همگام با ملت‌ها، از عمق جان، فریاد انقلابی سر می‌دهد و روح لطیف و ظریفش از این خیزش، صیقل خورده و بازتاب آن را می‌نگارد، می‌افشاند، می‌خواند و می‌نوازد.



هنر و بیداری اسلامی

محدثه علیجان زاده روشن

هنر در کلام امام خمینی (ره):

تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام ائمه هدی (ع)، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیان‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد. (۱۳۶۷/۶۳۰)

هنر در کلام امام خامنه‌ای:

در واقع هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است. به طور طبیعی آن کسی که این موهبت از سوی پروردگار به او داده شده است، مثل همه ثروت‌های دیگر، باید بار مسئولیتی را هم برای خودش قائل باشد، یعنی داده‌های خدا همراه با انجام تکلیف‌هاست. (۱۳۸۰/۵/۱)

شعر و ادبیات مقاومت و پایداری:

در هر خیزش و انقلابی، شعر؛ زبان اعتراض و انقلاب بوده است. در بیداری اسلامی در کشورهای عربی هم شعرای انقلابی با به میدان آمدن، روح حماسه

را در کالبد انقلابیون می‌دمیدند؛ اما در این میان شاعره جوانی توانست به عنوان به سمبل شعرای انقلابی در بیداری اسلامی تبدیل شود.

آیات القرمزی؛ شاعره عصر بیداری

و فعال سیاسی بیست ساله و اهل منامه بحرین، معلم شعر به لهجه بحرینی و دانشجوی دانشکده تربیت معلم است. آیات پا به پای هموطنانش، در اعتراضات مردمی علیه حکومت بحرین، در میدان لؤلؤ حضور پیدا کرد و به شعرخوانی با



لهجهٔ محلی سرزمین خودش پرداخت. شعرهای حماسی او در هجو آل خلیفه، تأیید قیام مردم و وحدت شیعه و سنی، همراه با تشویق‌های هیجان‌آمیز حضار بود.^۱

چند روز پس از تخریب میدان لؤلؤ توسط حکومت بحرین، جلالان آل خلیفه به خانهٔ آیات یورش می‌برند و در نهایت غیر از منزلش، او را یافته و این شاعر جوان انقلابی را دستگیر می‌کنند. پس از دستگیری آیات، با شکنجه‌های شدید روحی و جسمی نیمه جان، او را به بیمارستان منتقل می‌کنند که به کمای رود. پس از این حادثه، با شایعه‌سازی رسانه‌ای در بحرین، خبر رسید که او بر اثر شدت جراحات ناشی از شکنجه، جان خود را از دست داده است. سپس در خبری دیگر، زنده بودن او در زندان‌های آل خلیفه منتشر می‌شود و براساس محاکمه‌ای که صورت گرفته، به یک سال حبس محکوم می‌شود. یکی از اشعار این شاعر انقلابی عصر بیداری اسلامی، شعر «میدان لؤلؤ من، زندان من است» می‌باشد:

به نام خداوندی که ترسم از او و امیدم به اوست
و به نام محمد و خاندان پاکان
و پروردگارا به بارگاه تو فروتنانه گریه می‌کنم.
که در این سفر کمکم کنی و پناهم باشی
نه ...

نامه‌ام را با اشک‌هایم نمی‌نویسم
اشک من، زخم زبان دشمنان را زیاد می‌کند
از زمان نوشتن شعرم سؤال نکنید
چرا که دیدن خورشید برای من مثل یک رؤیا،

و روز برای من مثل شب است.
ای یوسف صدیق! رنج مرا بین
و همچنین درد شلاق و شوک وارد شده
به اعضای ما
زن بودن و وحشت و عذاب و تنهایی‌ام را

نگاه کن
زندان من مانند قطعه‌ای از تاریکی است
ای کاش!

من بودم، فراموش شده بودم
و پرندگان مرا می‌خوردند،
از بس که تصمیم گران است
من ناامید نیستم، روح من آزاد است
اما جسم نمی‌تواند بارم را به دوش کشد
ای کاش من همراه زینب اسیر شده بودم
که هرگاه من همراه زینب اسیر شده بودم
که هرگاه دشمنانم به سویم می‌آمدند،

او یاری می‌کرد
من مریم نیستم که فرشته‌ها به دیدنم بیایند
و مانند او بگویم: ای کاش...

من شرم می‌کنم از این قیاس
و از شدت غم فریاد می‌زنم: خدایا
آیا فریاد و دعای مرا نمی‌شنوی؟
باز هم از ملکوت نسیمی برایم بفرست
به توسل من و ... به اسم‌های بزرگی که بر
زبان دارم

که در دل خود آسمان پاکی را ببینم
و زهرا (س) و عذرا و حورا
تا روحم و همهٔ اعضايم آرامش پیدا کنند
و بدنم به سرنوشتم خو بگیرد
و لب‌هایم با آیات قرآن
شب زنده‌داری کنند
و با شعر و آواز به انقلاب امید ببخشند
آری...

من در برابر هیچ آفریده‌ای خم نمی‌شوم
کرنش کردن من فقط در برابر خدا و مردم
بزرگوار است

اگر مرا مجبور به عذرخواهی کردند،
همین بس است برایشان
که خداوند از نیت و مصیبت من آگاه است
مردم انقلاب کرده‌اند
و مکر آن‌ها را نمی‌پذیرند
خدا بزرگتر است و انقلاب موفق می‌شود
میدان لؤلؤ من، زندان من است

... و من
با خون‌هایم فدای تو می‌شوم ای آزادی
من!

شعار و شعور انقلابی

شعارهای مردم مصر

الله اکبر / ارحل ارحل یا سلیمان مش
عاوزینک انت کمان (ای سلیمان برو، برو
تو را هم نمی‌خواهیم).

لا مبارک لا سلیمان الاثنین عملاء الامریکای
(نه مبارک، نه سلیمان، هر دو مزدور آمریکا
هستند) ارحل ارحل یا جبان یا عمیل
الامیرکان (برو برو ای ترسو، ای مزدور
آمریکا) / الشعب عاوز سیسقط النظام
(ملت سقوط نظام را می‌خواهد) تغییر،
حریه، عدالت اجتماعی (تغییر، آزادی،
عدالت اجتماعی) / ثورة ثورة یا مصریین
علی حزب المجرمین (انقلاب انقلاب، ای
مردم مصر علیه حزب مجرمان) / ارحل
ارحل یا فرعون هذا مطلب ۸۰ ملیون (ای
فرعون برو، این خواستهٔ ۸۰ میلیونی است)
/ یسقط یسقط حسنی مبارک (حسنى
مبارک، سقوط می‌کند سقوط می‌کند) / ثورة
ثورة حتى النصر ثورة ثورة بتونس و المصر
(انقلاب، انقلاب تا پیروزی انقلاب، انقلاب در
تونس و مصر) / الموت لمبارک الامیریکی
(مرگ بر مبارک آمریکایی) / الموت لامیرکا
و الموت لاسرائیل (مرگ بر آمریکا و مرگ
بر اسرائیل) / حریه، عدل و الامان (آزادی،
عدالت و امنیت).

شعارهای مردم لیبی

شعارها قطعات کوتاه ادبی و یا موزونی
هستند که نوعاً از جوشش درونی مردم
می‌جوشند و به هنری تبدیل می‌شوند که
در همسرایی جمع مردم به سلاحی برنده
تبدیل می‌شوند. هنر شعر و شعار درآمخته
با شعور اسلامی و انقلابی در بیداری
اسلامی جلوه‌ای خاص دارد. الله اکبر/ لا
شرقیه، لا غربیه وطنیه، وطنیه (نه شرقی، نه



عکس هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید و صراحت، شعار اول آن است. صداقت در عکس‌های انقلابی موج می‌زند و اوج ظلم و ستم حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری علیه مردم را می‌توان دید، بدون آن‌که قضاوتی اشتباه کرد.

که جنبه اجتماعی و هنری پیدا می‌کنند، اما آنچه که رؤیت بیشتری دارد، حضور خود ملت و انقلابیون است که آن حوادث را خلق کردند و به آن مکان‌ها، جنبه نمادین اهدا کردند.

عکس هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید و صراحت، شعار اول آن است. صداقت در عکس‌های انقلابی موج می‌زند و اوج ظلم و ستم حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری علیه

مردم را می‌توان دید، بدون آن‌که قضاوتی اشتباه کرد. در بیداری اسلامی که همچون توفانی قوی جهان عرب را بر هم زد، عکاسان، نهایت ابراز وجود خود را اعلام کردند و با ثبت عکس‌های بیداری اسلامی که از تونس و مصر آغاز شد و به کشورهای دیگر رسید، ارسال خبرهای تصویری تأثیرگذار از انقلابیون توسط فن‌آوری‌های مختلف جهان امروز از قبیل فناوری دیجیتال، اینترنت و ماهواره را غیر قابل انکار کردند و تأثیر عکس در تاریخ هر کدام از این کشورهای اسلامی برای آیندگان، امری بسیار حیاتی و مهم است و ثبت و نگهداری عکس‌ها را از این وقایع می‌طلبد و تاریخ به این شکل بهتر حفظ خواهد شد.^۵

کاریکاتور: سیاسی‌ترین

هنر بیان انقلاب

هنرهای بسیاری در جهان وجود دارند، اما در یک اتفاق سیاسی، دو عنصر بیشتر با مردم ارتباط دارد؛ یکی شعر است که از لغات و کلمات تشکیل شده است و دیگری

هنرهای تجسمی که موضوعی را برای مردم به تصویر می‌کشد. در

به هنری تبدیل شده‌اند که در صورت قرار گرفتن در قاب دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری و ... مکتب و انقلاب و یا هویت یک تمدن و ملتی را فریاد می‌زنند، در حقیقت می‌توان نمادهای اسلامی را الهام‌بخش هنرمندان به شمار آورد.

در کنار نمادهایی چون مسجد، چادر، پرچم؛ برخی از میادین هم امروز الهام‌بخش هنرمندان است.

میادین بزرگ: در مصر، میدان التحریر که تنها یک نام بود و در بحرین میدان لؤلؤ که دارای تندیس نمادین از یک مروارید بود، مرکز تحصن و تجمع معترضین بود. البته به دلیل نمادینه شدن همین میدان در فیلم‌ها و عکس‌های اعتراضات مردم بحرین، این تندیس و میدان توسط حکومت آل‌خلیفه تخریب شد.^۶

عکس؛ سکوت سرشار از فریادهای انقلابی یا نخستین سند تاریخی انقلاب

انقلاب که یک پدیده اجتماعی نیز می‌باشد، در کنار سیاسی بودنش در زمانه ظلم و جور و جفا بر مردم جوامع مختلف پیش آمده است. ثبت وقایع انقلاب از جنبه دیداری و بصری، ممتاز و مناسب است و عکس شاهدهی است که حرف‌های زیادی را در سکوت مصدر خود بیان می‌کند. عکس که گویاترین سند و مدرک انقلاب می‌باشد، در جایگاه ارزش و اهمیت در بالاترین رتبه‌ها و درجه‌هاست. چشم مصنوعی دوربین، ابزار مهمی برای این کار است و عکس‌هایی که حرف‌های و مستندگونه هستند و توسط عکاسان پردازش و جرئت از صحنه‌های انقلاب و مبارزات ملی خلق می‌شوند؛ حالات، رفتارها و مکان‌ها را به عنوان نماد تلقی می‌کنند و میادین، مراکز عبادی و آموزشی همچون مساجد، حسینیه‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس و ... با این اسناد غیر قابل تغییر و دست‌نخورده، نمادهایی هستند

غربی، وطن و وطن) / لیبیا واحده، لیبیا حره (لیبی متحد است، لیبی آزاد است) / ارحل یا قذافی یا عمیل الامیرکان (ای قذافی ای مزدور آمریکا برو) یا قذافی صبرک، صبرک بکرة الشعب، حیفه قبرک (ای قذافی صبور باش، نفرت مردم گورت را می‌کند) / یا قذافی مین اختارک جکرة حتر هل ذی مبارک (ای قذافی منفور چه کسی تو را انتخاب کرد تو هم به دنبال مبارک خواهی رفت) حی حی علی الجهاد (بشتابید، بشتابید به سوی جهاد) / اول مطلب للثیاد اذف قذافی بالنار (اولین درخواست از خلبان آتش را به سوی قذافی رها کن) / ارحل، ارحل یا قذافی (برو، برو ای قذافی) / یا سیف قول لایوک الشعب اللیبی بیکر هوک (ای سیف به پدرت بگو ملت لیبی از تو متنفرند) / شعب لیبیا یذبح تقلیل این العالم؟ (ملت لیبی سر بریده و کشته می‌شوند، جهان کجاست؟) / لا اله الا الله القذافی عدو الله (به غیر خدا کسی نیست قذافی دشمن خداست) / دم الشهداء لن یذهب هدرا (خون شهدا هدر نمی‌رود) / عمر مختار ضحی بحیاته من اجل شعبه و معمر القذافی یضحی بشعبه من اجل حیاته (عمر مختار جاننش را فدای ملتش کرد و معمر قذافی ملتش را فدای جاننش می‌کند) کفایه ۴۲ سنه من حکم القذافی (۴۲ سال حکومت قذافی کافی است) / الشعب برید محاکمه اللدیکتاتور (ملت محاکمه دیکتاتور را می‌خواهد).

شعار مردم بحرین

لا تفاوض لا حورا استقالة أو فرار (نه مذاکره، نه گفت‌وگو یا استعفا یا فرار) / لا شرقیة، لا غربیة بحرینیة، بحرینیة (نه شرقی، نه غربی بحرینی، بحرینی) / ارحل ارحل یا خلیفه (برو برو ای خلیفه) / لا شیعه، لا سنی، لا اله الا الله محمد رسول الله^۳.

نمادسازی (سمبل)؛ فرهنگ انقلاب

در جامعه امروز نمادها بالاتر از یک نشانه،





کاریکاتور توانایی این را دارد که کسری‌ها را ببیند، ظلم را بشناسد و آن روی دیگر چهره خیلی‌ها را برای مردم نمایان کند. همه این دلایل سبب می‌شود که نظر مخاطب به کاریکاتور جلب شود و در هر دوره از تاریخ که باشیم، نقش سازنده‌ای در رویدادهای اجتماعی و سیاسی بازی کند.

میان هنرمندان این مثل رایج است که ادبیات و شعر به مثابه صوت عمل می‌کند، اما در مقابل تصویر به سرعت نور حرکت می‌کند و در میان هنرهای بصری، کاریکاتور از مؤثرترین جریان برخوردار است و جایگاه طنز را نیز به خوبی مصور می‌سازد. هنر تصویری که می‌تواند آشفتگی‌ها را بزرگنمایی کند و در مرتفع ساختن آن‌ها نیز مؤثر باشد، در میان ظلم و جور بستری مناسب دارد و عمق تفکر و اندیشه و تفسیر و تشریح را در اذهان جهانیان به تکاپو وادارد. در سرعت اثرگذاری کاریکاتور همین بس که از هر عنصری با مایه طنز به تصویر اضافه می‌شود و همین موجب می‌شود که هنری سریع و صریح باشد.

شکی نیست که کاریکاتور یکی از سیاسی‌ترین هنرهایی است که در روزگار ما وجود دارد و به همین دلیل هم جایگاه اصلی آن مطبوعات است. کاریکاتور توانایی این را دارد که کسری‌ها را ببیند، ظلم را بشناسد و آن روی دیگر چهره خیلی‌ها را برای مردم نمایان کند. همه این دلایل سبب می‌شود که نظر مخاطب به کاریکاتور جلب شود و در هر دوره از تاریخ که باشیم، نقش سازنده‌ای در رویدادهای اجتماعی و سیاسی بازی کند. شاید کاریکاتور طبع شوخی را یکدک بکشد، اما در وقایع حساس سیاسی طبع جدی دارد و نیش و کنایه تلخ را برمی‌گزیند. احساس مسئولیت کاریکاتوریست‌ها این جا نمایان می‌شود و مناظر ظلم و ستم و غم نهفته یک جامعه از دیکتاتورش را به جهان نشان می‌دهد. ظریف‌ترین و کاربردی‌ترین هنر کاریکاتور در همین وجه است که پیچیدگی‌ها را به سادگی‌ها و تلخند و لبخند را با هم همراه می‌کند.

کاریکاتور در بیداری اسلامی به میزان بالایی از ارزشمندی رسیده که تمامی چشم‌ها به سلاح مبارزه کاریکاتوریست یعنی قلم

دوخته شده که هر لحظه از هر واقعه‌ای که روی می‌دهد، چه تصاویری را خلق می‌کند و با سرعت تکنولوژی روز و اینترنت به پرده چشم‌های منتظر می‌نشیند. کاریکاتور، در عصر بیداری همانند ذره‌بینی است که عنصر جامعه را بزرگ جلوه می‌دهد و ترس و وحشت را در دل دیکتاتورها می‌اندازد و برای همین است که هیچ مستبد و زورگو و هیچ دیکتاتوری با کاریکاتور میانه‌ای ندارد. رسالت قلم کاریکاتوریست آنقدر سنگین است که برای بیان و نشان دادن صراحت‌ها و حقایق، جانش را گاهی در خطر می‌بیند و یکی از این شخصیت‌های جسور، ناجی‌العلی است که فلسطین و اسرائیل؛ مایه‌های اصلی کاریکاتورش بوده‌اند و مورد احترام مردم بود. مردم هر لحظه انتظار می‌کشیدند که چه هدیه‌ای برای مردم فلسطین از اسرائیل و جنایت‌هایش دارد و در آخر به دست جوخه اعدام اسرائیل به شهادت رسید.^۶

کاریکاتورهای کاریکاتوریست‌های جهان اسلام از سران دیکتاتور کشورهای عربی به همراه کاریکاتورهای مردم عامی بر روی کاغذ و مقوا تا روی دیوارها در شهرهای مصر و لیبی و تونس؛ نشان از تولد هنر بیداری اسلامی با درونمایه‌های دینی و انقلابی است.

مستند

واگویی‌های انقلاب جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی و مبارزات مردمی در هر کشوری، سوژه‌های جذاب و دیدنی برای مستندسازان بوده است و هنر سلاح مستندساز، در دوربین فیلمبرداری‌اش نهفته است و راز موفقیت‌اش در جسارت و شجاعت‌اش است که در خطرناک‌ترین موقعیت‌ها حاضر می‌شود و جانش را در معرض خطر قرار می‌دهد. مستندساز، حرف دلش را با انتخاب موقعیت‌های حقیقی و واقعی بیان می‌کند و صراحت کلام را در مستندهایش

نشان می‌دهد. نه افسانه و اساطیر است و نه دروغ و کذب. مستنددنیایی از ناگفته‌هاست و عین واقعیت را نمایش می‌دهد. در بیداری اسلامی نیز، مستند انقلابیون یکی از سوژه‌های جذاب است. مبارزه حق علیه باطل و نمایش ظلم و ستم و سیاهی دیکتاتوری بر روشنای آرامش و سرافرازی یک ملت، در مستند بدون دروغ و ریا تعریف می‌شود و از هیچ صنعت سینمایی که حقه و نیرنگ دارد و از هیچ بدلکاری استفاده نشده است. خون‌ها واقعی‌اند، آدم‌ها واقعی‌اند. اشک و آه و ناله و غم، فریاد الله‌اکبرها و نماز جماعت‌ها، صدای گلوله و انفجار و دود آتش، همگی واقعیت دارند. گلوله و توپ، مشقی نیست. مردم بازی نمی‌کنند و یک صحنه، یک برداشت دارد و تکرار نمی‌شود. پیروزی‌های ملت مصر، تونس، لیبی حقیقت است، نه سناریوی از قبل نوشته و این هنر مستندسازی، زمینه‌ساز حقایق دیگر از دریچه دوربین مستندساز است که از دیدها پنهان مانده است. از موفق‌ترین مستندها و مستندسازهای مقاومت؛ شهید مرتضی آوینی با گروه «روایت فتح» اش از دفاع مقدس است.

بی‌شک مستندهای راهپیمایی‌ها و مبارزه‌های انقلابیون در کشورهای اسلامی به عنوان اسناد افتخار در آینده می‌تواند مرجع و مبنایی برای هنرمندان مسلمان به ویژه برای رمان‌نویسان و فیلم‌سازان تبدیل گردد و بیداری اسلامی را با هنر اسلامی گره بزند.

منابع:

۱. ویکی‌پدیا www.wikipedia.org
۲. www.ayatalghermezi.blogfa.com
۳. ایرنا.
۴. پیام ایرانیان، وب نوشته‌های مسعود برجیان.
- ۵ و ۶. نشریه داخلی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دوهفته‌نامه تحلیلی، خبری شبکه هنر، ویژه بیداری اسلامی، نیمه دوم شهریور ۹۰.

